

# ایل گویجی

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شماره ۷ - پاییز ۶۵



## اعلامیه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن درباره خیانت جدید رژیم خمینی علیه دهقانان!

### دهقانان ترکمن صحرا! به رژیم باج ندهید!

دهقانان مبارز ترکمن صحرا! از روزهای اول انقلاب که شما دهقانان مبارز با گامهای استوار با اتحاد بی مانند خود زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره کرده و روستاها را از وجود آنها پاک نمودید حکام جمهوری اسلامی این نوکران بزرگ مالکان از شما کینه بزرگی بردل گرفتند ۷ سال تمام رژیم خمینی لحظه لحظه برای بازپس گیری زمینهای که با اتحاد دویک پارچگی و با اهداء خونهای پاک عزیزان تن بدست آورده اید توطئه چید. آنان با شروع تشکیل شوراها و صادرة انقلابی زمینها توسط شما، جنگهای پی در پی را بر شما تحمیل نمودند و عزیزترین رهبران تن تو ما جها و بیدارها و جلیلها را به شهادت رساندند، تا دمركزی شوراها یتن را به خون کشیدند. اتحادیهها یتن را متلاشی کردند و و راهای انقلابی تن را مسخ نمودند. اینها همه تلاشهایی بود در جهت شکستن حدت شما و بازپس گیری زمینها.

اما همه توطئهها، کشتارها و ددمنشیهای روحانیون حاکم نتوانست شما دهقانان مبارز و انقلابی را از هدفی که در پیش داشتید با زدارد. مقاومت و حدت یکپارچه شما در شوراها و انقلابی الگوئی برای تمام دهقانان مبارز را سرکشورمان شد. مبارزه متحدانه شما همیسته با سایر دهقانان ظمان باعث آن گشت که در مجلس شریران یک سری قوانین به نفع دهقانان وی کا غذبیاید. با شروع جنگ ایران و عراق، خمینی توانست زیرپوشش آن، وائینی را که تحت فشار مبارزات پیگیر شما می دهقانان به روی کا غذا ورده و دمسکوت گذاشته و به آینه تا ریک موکول نماید.

خمینی نیک می دانست که اجرای بندجیم و دال که پاسخگوی بخشهایی ز خواستهای دهقانان بود به ضرر خا نهائی تمام میشد که ناف فقا هت به آنان سته است. اما شما دهقانان از مبارزه خود دست نکشیدید سیل خروشمان با یندهها طومارها، تحصنها و اعتراضها همه و همه بیانگر رزم شما برای حفظ ست آوردهای مبارزات خود بود.

باز هم حکام مرتجع جمهوری اسلامی بیکار رننشستند و در صد با بازپس گیری زمینها برآمدند. آنان قداره بندان خود را دست در دست زمینداران فراری با لحاکمان شرع و روستاها کردند اما مقاومت و ایستادگی یک پارچه شما

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

باعث شد آنها نتوانند کاری از پیش ببرند.

حکام‌های زیادی برای بازپس‌گیری زمین‌های ۶۴ و ۶۳ صادر نمودند. نمونه کوچک آن روستاهای قربان آباد، دوگونچی، آقدگیش — قرنچیک قره سو — سیجوال — تمبرقره قوزی می باشد که تفنگچیان ما موراجراء که به روستاها مراجعه کرده بودند با دست‌ان خالی به‌استاد بازپس‌گیری زمین‌ها مراجعه کردند. دهقانان مبارز ترکمن صحرای رژیم جمهوری اسلامی در تک برنام‌های بازپس‌گیری زمین شکست خورده است آنها اگر می‌توانستند از همان اولین روز پیروزی انقلاب جلو می‌آمدند که با هزاران رنج و زحمت با اتحاد دشمن شکن خود در شوراهای انقلابی و اتحادیه‌های منطقه‌ای و سراسری خود زمین‌ها را مصادره کرده و پاسداران خمینی را از منطقه بیرون ریختند و با شما بودید که با وحدت خود جلوی بازپس‌گیری زمین‌ها را گرفتید.

اتحاد شما دهقانان مبارز و حرکت همبسته شما با زحمت‌گشان سراسر کشور ما به سران رژیم ثابت کرد که بازپس‌گرفتن زمین از دهقانان متحد و سپردن آن به زمینداران بزرگ و فئودال‌ها کار بسیار مشکلی است. لذا حیلۀ — — — — — ازلی اندیشیدند. اخیراً مجلس ارتجاع قانونی را تصویب نمود که براساس آن می‌خواهند زمین‌های را که شما زنجبران با نیروی خود با دادن شهادت بسیار از آریابان زانوصفت مصادره انقلابی کرده‌اید و چندسال است که آنرا کشت می‌کنید، به خودتان بفروشند و پولش را به فئودال‌ها بدهند. خمینی و دارودسته‌اش این قانون را بر حسب "ضرورت" و "مصلحت" یعنی از روی اجباری که مقامات متحدانه شما زحمت‌گشان انقلابی به آنها تحمیل کرده، تصویب نموده‌اند. والا چرا این قانون زمین‌های مصادره نشده را که بخش عمده زمین‌های کشاورزی کشور را تشکیل می‌دهد، در بر نمی‌گیرد. هدف اصلی سران آبرویا خته رژیم این بار هم شکستن اتحاد شما، از بین بردن کشت شورایی و قدم به قدم در آوردن زمین‌ها از دست شما می‌باشد. یقیناً فراموش نکرده‌اید که قبلاً نیز یک بار این زمین‌ها را از رژیم منفور پهلوی خریده بودید و ما زمینداران بزرگ و درباریان به زور شلاق و پول و تزویر آنها را غصب نمودند.

دهقانان مبارز ترکمن صحرای زمین‌ها را رژیم به شما واگذار نکرده که حال می‌خواهد آنرا به شما بفروشد. این زمین‌ها نتیجه مبارزات چندین ساله شماست. رژیم تماماً می‌تواند خود را به نفع بزرگ مالکیس بکار بسته است. اینبار هم این آخرین تیری نخواهد بود که بطرف شما می‌کند. نگذارید تیرش به هدف بخورد. مقامات قهرمانان شما دست ملایان مرتجع را مثل همیشه خواهد بست و آنها را عاجز از رسیدن به نتیجه مطلوب خود خواهد کرد. با مبارزه متحد خود از دادن باج به رژیم خودداری کنید و از زمین‌ها که هیچکس جز شما صاحب آن نیست، از کشت شورایی این دستاورد بزرگتان دفاع نمایید.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

## رسوایی تازه:

### رابطه پنهانی خمینی با ریگان

آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل نه یک امر اتفاقی بلکه بر سر زمینهای قبلی و مساعید صورت پذیرفته است. رژیم جمهوری اسلامی که ریگان از این راه رازیرشهای ضعیف امپریالیستی طی نمود، از همان ابتدای نشان داد که ماهیتا با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا راه سازش خواهد پیمود.

برقراری و گسترش روابط حسنه با رژیمهای آمریکایی ترکیه و پاکستان و ژاپن و آلمان غربی و... نمیتوانست جز پیش درآمدهای رابطه با "شیطان بزرگ" باشد. اصرار رژیم خمینی بر ادامه جنگ با عراق برای دستیابی به اهداف ارتجاعی و توسعه طلبانه و حفظ موجودیت خود عامل مهمی در راه این نزدیکی گردید. گرفتار شدن در با تلاق جنگ و گسترش روز افزون بحران فاجعه - با اقتصاد و اجتماعی ناشی از سیاستهای ضد ملی و مخرب رژیم روحانیون حاکم ایران داشت که جهت برون رفت از این بحران و کسب پیروزی در جنگ، با امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هر چه بیشتر بیعت کنند و آنها را به نجات خود فراخوانند.

امپریالیسم آمریکا همگامه بدنبال انقلاب ایران یکی

با آشکار شدن تماسهای پنهانی رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و افشای ارسال اسلحه آمریکا به ایران و قراردادهای محرمانه میان "شیطان بزرگ" و ایران خمینی با لایحه پرده ها کا ملاکنا رفت و چهره دروغین و ریگان را حکام مرتجع جمهوری اسلامی هر چه بیشتر عیان گردید. معلوم شد که مقامات طراز اول رژیم حداقل از یک سال و نیم پیش در همان حال که شعارهای ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی می دادند، مشغول مذاکره با نمایندگان ریگان بوده و از طریق اسرائیل اسلحه دریافت می کرده اند. آنچه تا کنون افشا شده نشان می دهد که علاوه بر مذاکراتی که در عرصه های اقتصادی، سیاسی و نظامی (از جمله در تهران با مک فارلین و مشاور سابق ریگان) در جهت دستیابی به مناسبات رسمی و علنی صورت گرفته، سران رژیم میلیونها دلار اسلحه بقیمت چند برابر قیمت اصلی آن از آمریکا دریافت کرده اند که بخشی از آن را طبق تعهد خود به ضد انقلابیون افغان واگذار نموده اند و از طرف دیگر آمریکا نیز سود حاصله از فروش این سلاح ها را به ضد انقلابیون نیکاراگوئه و آنگولا... داده است.

این همدستی و نزدیکی رژیم خمینی با امپریالیسم جهانخواه

## مرگ بر خمینی، مرگ بر آمریکا!

(رفسنجانی ۱۳ آبان ۱۰۰۰) و با دهن کجی به مردم ایران که می‌گفتند بعد از شاه نوبت آمریکا است، می‌گویند: «اگر روش آمریکا عوض شود و آدم شود! می‌توان با او کنار آمد.» (منتظری ۱۳ آبان ۱۰۰۰)

مردم رنج کشیده میهن ما هنوز سخنان پرطمطراق خمینی را که می‌گفت: «ما رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چکار؟» و «یا تمام بدبختیهای ما از آمریکا است و... از یاد نبرده‌اند بسیاری از آنان با ما وره‌ایین سخنان بود که هر آنچه می‌توانستند برای انقلاب کردند تا دست‌انگشت امپریالیست‌ها را از کشورمان کوتاه نمایند. اما امروز با علنی گشتن این روابط پنهانی قطعاً آن بخش از مردم ما که هنوز در دام فریبکاریهای رژیم اسیر هستند روی شناخت خود نسبت به رژیم خمینی تجدیدنظر کرده و پیوسته خواهند بود که چطور رژیم‌خائن و جنایتکار خمینی با سوء استفاده از اعتقادات آنها حکومت خود را برپا نمود و انقلاب را به شکست گشایند و بیش از پیش به دامان امپریالیسم درمی‌غلطد. رسوایی تازه رژیم جمهوری اسلامی بالطبع کینه و نفرت مردم میهنمان را نسبت به آن عمیق‌تر ساخته و این بار نیز مردم هستند که با مبارزات قاطع خود رژیم مرتجع و ریاکار جمهوری اسلامی را همچون رژیم شاه به زباله‌دان تاریخ خواهند افکند.

از زیبا گاه‌های اساسی خود را در منطقه از دست داد، همواره در تلاش بوده است که بتواند موقعیت گذشته‌اش را دوباره کسب نماید. و بدین ترتیب مقابله با جنبش‌های رها نیکویش منطقه و غارت منابع طبیعی کشور - های منطقه برایش را حتمی‌تر با شد.

آمریکا همچنین طالب ادا مصلحت جنگ است که هم‌بها نه‌ای برای حضور نظامی در خلیج فارس داشته باشد و هم خیال متحدش اسرائیل از طرف دو کشور درگیر در جنگ آسوده باشد. رژیم استبدادی خمینی برای پیمودن این راه به نسبت استیصال و ورشکستگی خود در حل معضلات اقتصادی - اجتماعی جامعه، در داخل کشور و فشار

و تضییق و سرکوب نیروهای مترقی را افزایش داده است، تا هم‌لیاقت خود را در این زمینه نشان داده باشد و هم مانع افشاگریهای وسیع و جنبش‌توده‌ای در زمان از پرده برون‌افتادن رازهایش شده باشد.

با وجود همه اینها با فاش شدن روابط پنهانی رژیم خمینی با آمریکا سردمداران ریاکار جمهوری اسلامی از ترس خشم‌توده‌ها، با برانداختن جنگ زرگری، از طرفی روضه‌خوانیهای ضد امپریالیستی خود را هر چند رفیق تریتکار می‌کنند و از "بزانودراوردن آمریکا و پیروزی بر آن سخن می‌گویند و از طرف دیگر از "جبران اشتباه تاریخی قطع رابطه آمریکا با ایران" حرف می‌زنند.

یاشاسین پارا خاتچلئق، یوق بولسن خمینی

## دربزرگداشت قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴

گفتن بزبان مادری در ادا رات دولتی و مدارس و حتی گوش سپردن به موسیقی ملی در یک دورجم محسوب می‌شد، خلق آذربایجان همچون دیگر خلقهای ایران با رستمگری اجتماعی رژیم شاه را نیز متحمل می‌شد. این همه ستم و بیداد به خلقی روا می‌شد که از آستانه قرن حاضر همواره پرچم مبارزه آزادیخواهان خلقهای ایران را به دوش کشیده بود.

پایان یافتن جنگ جهانی دوم بسود منتفقین و نقش برجسته ارتش سرخ در آن، که سبب بحران در هیات حاکمه ایران نیز گشته بود و... زمینیه مساعی برای یک خیزش عظیم توده‌ای را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی انقلابیون آذربایجان و بویژه سید جعفر پیشه‌وری رجل نامدار انقلابی با درک دقیق وضعیت موجود، ستاد رهبری کننده جنبش را بنیان نهاده و به سازماندهی مبارزات خود انگیخته زحمتکشان و بویژه جنبشهای دهقانی پرداختند. تحت رهبری این ستاد قیامهای دهقانی آغاز گشته دهقانان ژنده پوش که با خلع سلاح پا سگاهای ژاندارمری، شهرهای میانه، سراب و... را آزاد ساختند. دستجات فدائیان بعنوان بازوان مسلح انقلاب از بهم پیوستن داد و طلبان دهقانان تهیدست شکل گرفت، رهبری جنبش "کنگره خلق آذربایجان" را در ۲۹ آبان ۱۳۲۴ فرا خواند، کنگره خود را مجلس موسسان خواند و

جنبش خلق آذربایجان که در ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۴، بدنبال قیام مسلحانه دهقانان و کارگران و زحمتکشان، منجر به تصرف قدرت سیاسی در بخشی از کشور و استقرار حاکمیت انقلابی در آذربایجان گشت، هر چند که درست پس از سپری شدن یکسال - در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ - در نتیجه یورش ارتش شاه و کمک امیرپالیستها در خون غرق شد، ولی همچنان بمثابه برگه سرخ در تاریخ مبارزات خلق آذربایجان و تمامی خلقهای ایران ثبت گشت. جنبش ۲۱ آذر هم بعنوان یک حرکت عمیق مردمی و دموکراتیک و هم بمثابه جنبشی که علاوه بر رفع ستم ملی، از میان بردن ستم اجتماعی از یک خلق در داخل اراضی ایران را در دستور کار خود قرار داد، گنجینه‌ای بسیار ارزشمند از تجارب و طرحهای انقلابی برای مجموعه جنبش انقلابی ایران و بویژه برای جنبشهای حق طلبانه خلقهای تحت ستم ملی ایران است.

جنبش مردم آذربایجان بر زمینیه یکرشته علل و زمینیه‌ها پا گرفت و به پیروزی انجامید. در آستانه جنبش ستم فئودالها و ژاندارمها در آذربایجان بیداد می‌کرد، ستم ملی بر خلق آذربایجان، پایمال کردن حقوق و فرهنگ آن و تحقیر زحمتکشان آذربایجانی بعنوان ملت "پست" از سوی شوونیسم فاشیست روزگار را بر سر آذربایجان نیان تنگ کرده بود، سخن

مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر کشور

مصوبات خود را به مراجع کشوری و جهانی ابلاغ نمود. مجلس ملی آذربایجان که انتخابات آن طبق تصمیم مجلس موسسان روز ۲۲ آذر برگزار شده بود در نخستین جلسه خود در ۲۱ آذر ماه پیشه‌وری را مامور تشکیل دولت ملی نمود. حاکمیت خلق در آذربایجان استقرار یافت.

"آذربایجان دموکرات" منطقه‌ای آزاد شده برای تدارک عملیات انقلابی برای آزادی سراسر ایران آریایی می‌گشت. انقلابیون آذربایجان خود را ادامه‌دهندگان راه جنبش ستارخان می‌نامیدند و از این رو این جنبش با استقبال وسیع و کمکه‌ای برای درانه‌کارگران و زحمتکشان دیگر نقاط کشور و حمایت‌های معنوی نیروهای ترقیخواه در سراسر جهان مواجه می‌گشت. حکومت ملی در طول عمر یکساله خود آنچنان گام‌های بلندی در زمینه اصلاحات ارضی، رفع ستم ملی، بهبود اوضاع اقتصادی، امنیت، فرهنگ و آموزش و... برداشت که به عظمت آنها حتی دشمنان انقلاب نیز معترفند. حاکمیت مردم‌چهره آذربایجان را در عرض یکسال دگرگون ساخت و نمونه‌ای از یک حاکمیت انقلابی و دموکراتیک را به نمایش گذاشت.

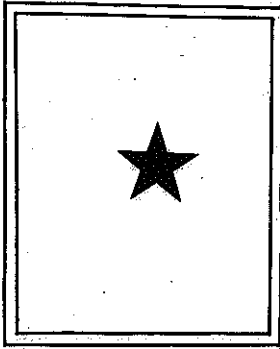
این جنبش که با خون ورنسج دهقانان زنده‌پوش و کارگران و زحمتکشان پا گرفته بود، بی‌شک از یکسال پابرجا نماند. رژیم شاه با حمایت درندگان امپریالیست و با فتوای "آیات عظام" در ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۵ آنرا در خون غرق ساخت. دهه‌ها هزارتن از کارگران و دهقانان، زحمتکشان و روشنفکران آذربایجانی قهرمانان نه‌بربالای چوبه‌دار و بی‌تیرهای تیرباران‌جان باختند ولی یاد آنها همواره الهام‌بخش انقلابیون بوده است.

جنبش ۲۱ آذر هر چند بعلت یورش ارتجاع و پاره‌ای علل دیگر ناکام ماند ولی آنچنان ضربتی بر پیکر ارتجاع نواخت که پس از گذشت ۴۰ سال هنوز نیز زوزه‌های آنان بگوش می‌رسد. هنوز برای سلطنت‌طلبان و نیز خمینی و تمامی دشمنان سر دم‌روز ۲۱ آذر ۳۲۴؛ روز عزا و ۲۱ آذر ۱۳۲۵ روز جشن است. ولی زحمتکش‌شان آذربایجان هنوز خاطر روزهای خوش "حکومت ملی" را در یاد دارند و قهرمانی دهه‌ها هزار شهید جنبش ۲۱ آذر همواره خلق‌های تحت ستم ایران را در مبارزه برای آزادی و رفع هر گونه ستم ملی و اجتماعی الهام می‌بخشد.

پیرلشماک چالیشماق اوستون ینگیش قازانماق



## یادها و خاطره‌ها



گرامی باد خاطره حسین جرجانی

رهبر آشتی ناپذیر اتحادیه سراسری

دهقانان ترکمن صحرا

حسین جرجانی در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده زحمتکش از روستای محروم تاتار علیا متولد شد. حسین تحصیلات دوره ابتدائی خود را در تاتار علیا و قوری چای در شرایط سخت مسا دیو معیشتی به پایان رسانده و سپس از اتمام دوره متوسطه در شهرهای گنبد و تهران در سال ۱۳۵۶ از انستیتو کشاورزی همدان فارغ التحصیل گشت. حسین از دوران کودکی خود همواره شاهد ظلم و ستم و قتل و غارتگریهای رژیم منحوس پهلوی و درباریان و

زمینداران بومی وابسته به دربار بوده و درست از همین دوران است که ذهن جوان و پویای حسین با واژه‌های ستم و مبارزه آشنا میگردد. واقعه سال ۱۳۳۸ اروستای تاتار علیا که در نتیجه انصراف دهقانان از واگزارای زمین‌های خود به فئودالی‌هایی چون قوجقی منجر به قتل و کشتار و دستگیری زحمتکشان این روستا توسط ژاندارمهای مزدور شاه و غصب زمینهای دهقانان زحمتکش ایسن روستا گردید، تا شیر عمیقی را بر روحیه حسین گذارده و تنفرو کینه‌وی را نسبت به غاصبین و استثمارگران عمیق تر ساخت.

حسین در این دوره فعالانه به

بها فشاء ماهیت بزرگ مالکان و درباریان می‌پردازد. از همین دوران رابطه تنگاتنگی را با دهقانان زحمتکش برقرار کرده و دیری نمی‌پایند که به شخصی دوست داشتنی و انقلابی مبدل میگردد.

با اوج‌گیری مبارزات توده‌ای در سال ۱۳۵۷ حسین نیز آهنگ مبارزه خود را در منطقه شتاب بخشیده و با سازماندهی حرکت انقلابی دهقانان در مصادزه زمینهای بزرگ مالکان و اموال آنان نقش فعالی را ایفاء می‌نماید. او در تشکیل کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراها فعالانه شرکت ورزیده و در جهت تحقق اهداف انقلابی ستاد کانون و در امر برپایی ورهبری شوراها و اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا تلاش خستگی ناپذیری را از خود نشان میدهد. کاردا نموشانه روزی حسین در مراحل مسائل و مشکلات زحمتکشان محروم روستاها و تلاشهای بی وقفه او در جهت توزیع و روشنگری برنامهای انقلابی ستاد مرکزی شوراها از اوجه بره‌ای

فرزندان انقلابی خویش نقشه‌های کثیف و خائنه می‌کشیدند. در ۲۹ بهمن سال ۵۸ حسین و هم‌زمانش توماج مختوم و واحدی ایمن فرزندان دلیر و قهرمان خلق ستم‌دیده ترکمن را به منظور خروش خدمتی به بزرگ مالکان و انتقال مـ جویی از آنان مخفیانه و بدون محاکمه اعدام کرده و اجساد تیرباران شده این مبارزین پاک‌باخته را بزدلانه در بیا بان انداختند.

بدین ترتیب با شهادت ایمن فرزندان و قافدا روشایسته خلق کارنامه‌سیاه جمهوری اسلامی سیاه تر شده و لکه ننگ دیگری بردمان آلوده رژیم خونخوار خمینی افزوده گشت.

با انتشار این خبر هولناک، بانگ اعتراض خشماگین مردم در تمام کشور طنین انداخت. زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه ایران بویژه در شهرهای تهران، تبریز، گنبد، بندر ترکمن کردستان و دیگر شهرهای ایران طی تظاهرات و راهپیمایی‌ها و برگزاری میتینگ‌های خشم و نفرت خنود را نسبت به جنایت هولناک و خائنه رژیم ارتجاعی و جلاد خمینی ابراز داشته و مصرا نه خواستار دستگیری و مجازات عاملین آن شدند. ولی مسئولان جمهوری اسلامی در مقابل فشار افکار عمومی خلقهای ایران با ترس و وحشت و دستپاچگی هر یک تلاش میکردند که پای خود را از این ماجرا کنار بکشند و از آن اظهار بی‌اطلاعی نمایند.

خلخال جلا در رژیم که دستش به خون صدها تن از فرزندان دلیر و انقلابی خلق ایران آلوده است از فرط وحشت

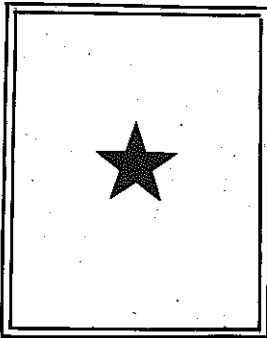
محبوب و قابل اعتماد در میان زحمتکشان می‌سازد. حسین در پی مبارزه انقلابی خویش و در آرزوی تأمین سعادت و خوشبختی دهقانان زحمتکش، دهقانانی که اوسالهای سال آنان را می‌شناخت و با آنان زندگی کرده و با گوشت و پوست خود وضعیت فلاکت‌بار آنان را درک میکرد خواب و قرار را بر خود حرام کرده و در یکجا بند نبود. هر آنجا که دهقانی فریاد مبارزه سر میداد حسین در کنار او بود و هر آنجا که مشکلی پدید می‌آمد حسین بلافاصله در آنجا حضور می‌یافت. ایمان حسین به خلق، به مردم زحمتکش، به نیروی لایزال توده‌ها و صف‌ناپذیر بود. اینها همه از او رهبری برجسته و فداکار ساخت که دهقانان و زحمتکشان منطقاً را و میداشت که ساعت‌های صحبت او بنشینند و در وجود او انسان شریف را مجسم نمایند که هیچ‌آرزویی جز سعادت و خوشبختی زحمتکشان ندارد. نام وی برای همه عزیز و گرامی بود. او در حین پیشبرد وظیفه انقلابی خویش در آن دهقانی، آموزش و جلب جوانان و رهنمود و هدایت آنان را نیز از نظر دور نمی‌داشت و با تلاش و کوشش او در این روستا بود که کتابخانه‌ای تأسیس گردید.

دشمنان خلق و بزرگ مالکان و فئودال‌ها نمی‌توانستند فرزندان دلوری چون حسین جرجانی و هم‌زمانش را ببینند و پیوسته در اندیشه انتقام جویی از خلق به پا خاسته ترکمن که هم‌دوش با زحمتکشان سایر خلقهای قهرمان ایران، علیه ارتجاع و امپریالیسم جهانی مبارزه میکردند، بودند و برای محروم‌گذاشتن خلق از

# جاودان بادخاطرهٔ مرادگلدی بیدار (اشه)

## فرزند قهرمان شورا‌های دهقانی

### ترکمن صحرا



"من افتخار می‌کنم که ما دهقانان ترکمن صحرا پوزه زمینداران بزرگ و اربابان منطقه را به خاک مالیدیم و ظالمان را به خاک سیاه نشاندیم." این جملات آتشینی بود که بیدار در محاکمه فرمایشی ج. ا. ا. نثار جلادان خمینی کرد.

مرادگلدی بیدار (اشه) در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده زحمتکش و محروم روستای سارجه‌کرا از توابع شهرستان گنبدکا ووس بدنیا آمد. مدرسه در روستای پدرش و اربابان اشه می‌شناختند. وی در ۵ سالگی از محبت پدر محروم گشت و مدتی بعد مادر خود را نیز از دست داد و تحت سرپرستی برادر بزرگ خود قرار گرفت، محیط زندگی وی و پیوند نزدیک او با دهقانان باعث گشت گناه و هرچه بیشتر از وضعیت دشوار و فلاکت بار دهقانان و ظلم و ستمهای بزرگ مالکان و اربابان شناخت عینی کسب نموده و کینه‌اش نسبت به مظلوم و ستمهای آنان عمیق‌تر گردید. با اوج گیری جنبش توده‌ای در کشور در سال ۱۳۵۷ و حرکت امواج توفنده و خروشان میلیونی خلقهای بی‌باک سراسر ایران، بیدار نیز از خدمت در ارتش ضد خلقی شاه سرباز زده و به سیل خروشان خلق پیوست. و در روستای خود به امر سازماندهی مبارزه دهقانان پرداخت، و بهمراه دیگر هم‌زمان خود بطور پیگیر و خستگی‌ناپذیر بر نامه انقلابی ستاد

مرکزی شورا‌های ترکمن صحرا را در سازماندهی مبارزات دهقانان سارجه‌کرا و روستاهای اطراف، علیه بزرگ مالکان به پیش می‌برد. اشه این دهقان مبارز، چهره‌ای محبوب و مورد اعتماد برای زحمتکشان ترکمن زابلی و بلوچ بشمار می‌آید و در راه تعمیق دوستی و وحدت میان آنان بر علیه بزرگ مالکان بومی و غیر بومی تلاشهای خستگی‌ناپذیری را بعمل آورد. بیدار از اولین کسانی بود که در تشکیل شورا در روستای خود پیشقدم شد و مصداق انقلابی زمینهای بزرگ مالکان را سازماندهی کرده و در روستای خود شورای دهقانی تشکیل داد و خود از اعضای پیگیر و فعال این شورا گشت. بیدار توطئه‌های بی‌شمار را که مزدوران خمینی در جهت پراکندن تخم نفاق بین زحمتکشان ترکمن، زابلی و بلوچ در منطقه سازماندهی می‌کردند با پیگیری و متانت انقلابی خنثی می‌کرد.

با تشکیل اتحادیه سراسری شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، بیداری این دهقان سراسر شورا انقلابی به عضویت این اتحادیه درآمد.

جنگ تحمیلی دوم گنبد در بهمن ماه ۱۳۵۸ اوسرکوب وحشیانه مبارزین انقلابی در ترکمن صحرا نتوانست کوچکترین خللی در ایمان او به راهی که برگزیده بود وارد آورد.

بیدار مبارزه را بشکل مخفیانه پیش برده و دهقانان را بر علیه توطئه های رژیم خمینی سازماندهی می کرد و به مالکان و مستمگران ثابت کرد که شوراهای دهقانی ترکمن - صحرا از پای در نیا آمده اند.

در تابستان ۱۳۶۰ کمیته خلق - سلاح عامل ارتجاع و بزرگ - مالکان مرادگلدی بیدار را به جرم شرکت در مبارزه خلق ترکمن - و دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا اسیر کرد. این بار بیدار مبارزه بر علیه ارتجاع را به داخل زندان رژیم خمینی گشاند. در زندان گنبد، که انبوهی از دهقانان ترکمن صحرا در آن به بند کشیده شده بودند، بیدار همچون معلمی برای آنان شیوه های جدید مبارزه را بر علیه رژیم فاسد خمینی، به دهقانان در بند می آموخت پس از دستگیری بیدار، از طرف جهاد

سازندگی گنبد برای انتخاب شورای اسلامی باب طبع ارتجاع و بزرگ مالکان به روستای سارجه کر آمده و در صدد راه اندازی انتخابات شورای اسلامی روستایی بزمی آیند. ولی مردم سارجه کر با انتخاب بیدار قهرمان و دیگر اعضای شورای قبلی جواب دندان شکنی را بداندگان می دهند و عوامل جها دبارسواپی به گنبد بزمی گزیدند. دهقانان سارجه کر با این عمل قهرمانانه خود یک بار دیگر پوزه عوامل حکومتی را به خاک مالیدند. جانین رژیم اسلامی ناتوان از به تسلیم گشاندن اشته و عجز و حقارت در برابر بیداری و وفاداری او به آرمانهای خلق خویش تا جوان مردانها و را در آبان ماه ۱۳۶۱ تیرباران می کنند و لکسه ننگ دیگری را بر دامن آلوده خود بر جای می گذارند. دهقانان ترکمن صحرا در سوگ بیدار به غم نشستند و پییمان دوباره بستند تا یکوشند به راستی رهرو راهش و شایسته نامش باشند.

درود به روان پاک او یا بنده شهید مراد گلدی بیدار که با سینه ای سرشار از عشق به نیکروزی زحمتکشان و محرومان تا آخرین دم حیات مردانه بر سر آرمان ولایتش پای فشرد.

شهید خلق ترکمن راهت ادامه دارد

# گرامی باد خاطره آنا گلدی گوکلانی (آنین)



آنا گلدی گوکلانی، فرزند انقلابی خلق ترکمن در سال ۱۳۳۳ در شهر گنبد متولد شد. او در دوران کودکی، پدر و مادرش را از دست داد. لذا مجبور شد تنها به خودش تکیه کند. آنین بعد از پایان دوره متوسطه به شغل معلمی در روستاهای منطقه پرداخت و در آنجا از نزدیک با دردورنج دهقانانی که کمرشان در زیر بار آربابان بومی و امرا ارتش و زمینداران بزرگ وابسته به دربار خمشده بود، هرچه بیشتر آشنا شد. او همچنین همانند دیگر روشنفکران مترقی خلق ترکمن نمی‌توانست در برابرستم ملی سرخس خلقش بیتفاوت باشد.

آگاهی و اتکا بخود، مردانگی و جسارت آنین بود که او را در جریان انقلاب به یکی از سازماندهندگان اصلی تظاهرات ضد رژیم شاه مبدل نمود. او پس از پیروزی انقلاب در تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و آنگاه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالانه شرکت داشت. وی یکی از مسئولین کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، شاخه کلانه بود و در سازماندهی دهقانان و شوراهای روستایی در این ناحیه و خنثی کردن توطئه‌های فتوئدالها و زمینداران بزرگ نقش بزرگی ایفا نمود.

بعد از دومین یورش وحشیانه

مرتجعین در بهمن ماه سال ۵۸ به خلق ترکمن در حالیکه عوامل رژیم خمینی زبونا نه بدنبال آنین بودند و برای دفاع از دستاوردهای جنبش دموکراتیک و انقلابی ترکمن صحرا در روستاهای اطراف کلانه و در بیابان توده‌ها به فعالیت انقلابی مشغول بود و لحظه‌ای از حرکت نمی‌ایستاد. در تابستان سال ۶۱ مزدوران رژیم و جیره خواران فتوئدالها و زمینداران بزرگ وی را در گنبد دستگیر نموده و بلافاصله بزرگنجه‌های حیوانی کشتادند. مقاومت آنین سبب شد او را به شکنجه‌گاه "اوین" انتقال دهند. تا مدتی کسی از وی اطلاعی نداشت. تا اینکه در پائیز سال ۶۱ خبر رسید آنین زیر شکنجه در خیما ن رژیم شهید شده و اسرار خلق را در سینه حفظ کرده است. رژیم که از محبوبیت آنین اطلاع داشت از ترس خشم مردم منطقه از تحویل جسد او به خانواده‌اش امتناع ورزید. بدین ترتیب آنین جان بر سر پیمانی که با خلق خود و دهقانان زحمتکش منطقه بسته بود نهاد. او نمونه‌ای شد از مردانگی و دلاوری که برای ابد در سینه خلق جای گرفت. یادش گرامی باد

## ”از زخم قلب آبا ئی“

• • •

دختران رودگل آلود  
 دختران هزارستون شعله ،  
 به طاق بلند دود  
 دختران عشق های دور  
 روزسکوت و کار  
 شبهای خستگی  
 دختران رفت و آمد  
 دردشت مه زده  
 دختران شرم  
 شبنم  
 افتادگی  
 رومه !

از زخم قلب آبا ئی  
 درسینه کدا م شما خون چکیده است ؟  
 اکنون کدا م یک زشما  
 بیدا رمیما نید  
 در بستر خشونت نو میدی  
 در بستر فشرده دلتنگی  
 در بستر تفکر پر درد را زتان  
 تا یا دآن - که خشم و جسارت بود -  
 بذرفشانند  
 تا دیرگاه ، شعله آتش را  
 در چشم با زتسان ؟  
 + +  
 بین شما کدا م ، بگوئید !  
 بین شما کدا م  
 سیقل میدهد  
 سلاح " آبا ئی " را  
 برای

روز  
 انتقام ؟

ترکمن صحرا - اوبه سفلی  
 احمدشا ملو



## ملانفس:

### شاعری بر تارک تاریخ ادبیات خلق ترکمن

در تاریخ ادبیات کلاسیک ترکمن سخنوران و سرایندگان رزمنده و سترگ بیشماری بوده اند که نا بدترین احساس و دردها، شادیه‌ها و آرمانهای مردم را کارمایه آثار خویش قرار داده‌اند. دهها شاعر و نویسنده‌ها مورثی می‌توان یافت که در آفریده هنری آنها عشق و احساس ستوده انسانی، مبارزه در برابر زورگویی و ستمگری قرون وسطایی، به باد انتقاد گرفتن بی‌همتی‌ها، ریا و تزویر، ستایش حماسه‌ها و قهرمانی‌های دلیر مردان و فرهیختگان و باور به راه‌یابی از ظلمت شب به سوی نور و روشنی موج می‌زند. ادبیات کلاسیک ترکمن از همین دیدگاه غنای ویژه‌ای دارد. در این ادبیات، بسیاری از شاعران، در حالیکه در دوره شب‌اندوختن و استبداد فئودالی می‌زیستند، نه در درگاه ستمبارگان به مدح و در یوزگی می‌نشیند و نه مویه‌کنان مرثیه می‌خوانند، بلکه بسان عقابان بلند پرواز، پرغرور ترانه‌نبردورها بی‌راسر می‌دهند. از اینگونه شعرا می‌توان از مختوم‌قلی فراغی، سیدناظار سیدی، کمینه، ملانفس، ذلیلی و بی‌ایرام‌خان - ترکمان و دردی‌شاه هیروندها تن دیگرنا مبرد که سخنان گزیده و اندیشه‌های فروغناک و پرهیمانه آنها چنان گلشن شاخ‌پرباری بر تن او درخت پربار ادبیات ترکمن جاودانه سبز مانده است. خلق ترکمن تکامل فرهنگ پاپیسا، ادبیات و هنر راستین خویش را به داشتن چنین ابرمردانی مدیون است. آشکار است که ترجمه این اندیشه‌های ژرف از زبانی به زبان دیگر، آنهم از شعر که احساس و اندیشه و عواطف عمیق شاعران بگونه هنری با هم‌گره‌خورده بسیار دشوار و گاهی محال است. ولی "بر آنیم که گزند دست بر آید" به حد توان خود گهرهای شیوایی را از گنجینه غنی اندرزها و آموزشهای انسانی اندیشمندان خود که در لابلای ادبیات تابناک بیکران خلقمان آمده است به‌گونه "مشقت نمونه خروار" ارائه دهیم. باشد که به گفته مولانا جلال الدین محمد بلخی:   
آب دریا را اگر نتوان کشید   
هم به قدر تشنگی باید چشید

یکی از آن چهره‌های تابناکی که ذکر گردید، ملانفس شاعر مشهور و مبارز - سرسخت خلق ترکمن است. او سخنوری برخاسته از یک خانواده علاقمند به دانش و هنر بود.

ملانفس در سال ۱۸۱۰ میلادی درسرخس (سارانت) از نواحی مرو چشم به جهان گشود. وی پس از گذراندن آموزشهای ابتدایی در زادگاه خویش برای فراگرفتن علوم و زبانهای مختلف بسوی بخارا که در طول سده هامرکز علم و فرهنگ بوده رهسپار میگردید و با علاقه زیادی دانشهای متداول زمان را فرا میگیرد. شاگرد آنجا ادبیات بدیعی و آثار شفاهی مردمی ترکمنی را با نگرش عمیق مطالعه می کند و برای آشنایی کامل با ادبیات دیگر خلقها، زبانهای عربی، دری، ازبکی و آذربایجانی را می آموزد. آشنایی وی با شاهنامه فردوسی، خمسه... نظمی، مثنوی بلخی و آثار علیشیرنوی در آثارش عریض است. در این مورد محتوی ابیات زیرین ملانفس را می توان بطور مثال ذکر نمود:

نظمی، نوایی، بینه فردوسی      اورومئنگ گؤل سنی، هیندینگ طا ووسی  
یالانچی دؤنیا دن اؤثر من عاضی      سیزه کوپ جور مات لار غویان دشرکونگ لوم

شاعر علاوه بر سخنوری و شاعری، آهنگر موسیقی نیز بی بهره نبوده، چنانکه به هنگام فراغت از کار تحصیل به خوانندگی و نوازندگی نیز پرداخته و در این عرصه به درجه کامل رسیده است. ملانفس با شاعر معاصر خویش کمینه روابیط نزدیکی داشته است. هنگامیکه کمینه برای نخستین بار با وی ملاقات می کند، برای استعداد و قریحه هنری ملانفس ارزش والایی قائل می گردد، لذا در مورد روابط نزدیک و دوستانه این دوشا عزیز بزرگ خلقمان، در بین مردم روابیطی موجود است که لازم می دانیم یادآوری کنیم:

روزی چندتن از شاعران ترکمن به کمینه می گویند:

— خوب کمینه خوشه چینی کشتزار ادبی مختوم قلی را تا کجا رسانده ای؟  
کمینه در جواب می گوید:

— خوشه چینی همچنان ادا مه دارد، ولی پسر جوانی از قوم "یاری" مزاحمت ایجاد می کند. او مانند سب پا بسته ای با کوشش زیاد می خواهد از من پیشدستی کند!

مراد کمینه از پسر جوان مذکور ملانفس بوده است. روایت جاکي از آن است که کمینه شکفتن استعداد ادبی ملانفس پیش بینی کرده است. هر دو شاعر طی سالیان درازی در عرصه هنر و ادبیات با هم ارتباط داشته اند. ملانفس در میان مردم از عزت و احترام خاصی برخوردار بوده است. شاعر با تمام وجود خویش برای کمک به حل مشکلات توده های زحمتکش که به وی مراجعه می کردند، تلاش می کرد و در آثار بدیعی خود مسائل آنان را منعکس نموده و پیوسته در طرف مردم قرار داشت.

برای شناخت طرز فکر شاعر و برای دیگر برای شناخت جهان بینی، اندیشه و احساس هرا ندیشمندی که پیام خویش را چه بصورت هنری و چه بصورت فلسفی و علمی بروز داده باشد، باید عوامل و شرایط آن عصر، محیط و طرز تفکر جاری زمانه اش را در نظر داشت. بنابراین لازم می دانیم که نکات اساسی و عمده اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر شاعر را به خوانندگان گرامی ارائه کنیم.



سالم‌هایی که طی آن ملانفس آثار خود را می‌آفریند، سال‌های ناامنی، اغتشاش و خشکسالی بود. بیدادگری، جنگها و کشمکش‌های زورمندان غارتگر که صرفاً برای غارت و چپاول مردم و زران‌دوزی برآه‌انداخته می‌شد، بردشواری روزگار توده‌های زحمتکش می‌افزود. شاه‌گرد دورانی می‌زیست که نابرابری اقتصادی و استثمار رنگدستان توسط فئودالها و ملاکان به بالاترین حد رسیده بود. حیات شاه‌عربان پارسا نچه و خونین، بازمانیکه مناسبات نیمه‌بردگی و فئودالی با همه شدت و استبداد دبرجا معه حکمروایی می‌کرد مصداف بوده است. روزگاری که جنگ و ستیز خانها و فئودالها با یکدیگر و کشمکش خونین و متعصبانه همه مذهب در همه عرصه‌ها فلاکت‌بار بوده است. علاوه بر آن در این سال‌ها شاهان قاجار نیز با اهداف استیلاجویانه و سرکوب‌مقامت خلق ترکمن به سرزمین ترکمن‌یورش می‌آوردند. چنانچه در سال ۱۸۶۱ میلادی ناصرالدین شاه قاجار برای تصرف مرو و سایر مناطق ترکمن‌نشین لشکر بزرگی را به سرکردگی حمزه میرزا گسیل می‌دارد. اما این لشکر چندین بار با مقامت سرسختانه خلق ترکمن مواجه شده و تاروما می‌گردد. ملانفس هم در این جنگها عمل شرکت نموده و بخاطر مبارزه بی‌مان‌دربار بر متجاوزین و ستمگران و نیز بخاطر رشادت و قهرمانی‌هایی که از خود نشان داده بود مردم لقب نفس‌با تتر (نفس شجاع) را به او می‌دهند. شاه‌عربان بالاخره دریکی از این جنگهای نابرابر و تحمیلی سخت زخمی شده، چندین ماه بستری می‌گردد و عاقبت بر اثر جراحت فراوانی که برداشته بود به سال ۱۸۶۲ میلادی دیده از جهان فرومی‌بندد.

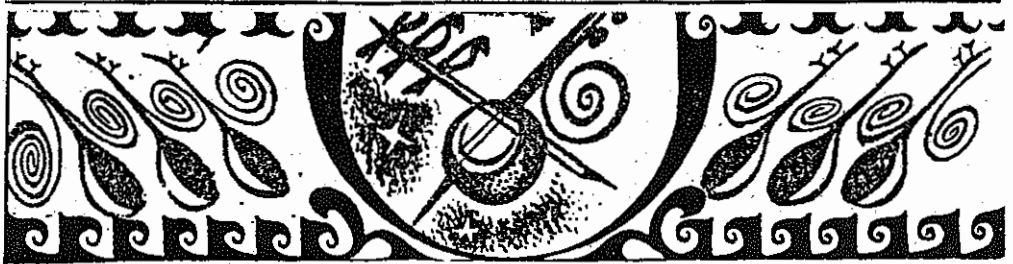
حوادث و وقایع سیاسی و اجتماعی زمان شاه‌عربان در آثار وی بازتاب یافته است. برای نمونه پاسخ شاه‌عربانه فرمانده سپاه متجاوز دشمن را در زیر می‌آوریم که در آن عزم راسخ و اراده آهنین خلقمان برای سرکوبی دشمن ستمگر تصویر گردیده است:

ظالم، سنیاسات اورما، بولما زمکانئنگ سه‌نینگ  
 هرتورکمن دؤوه دؤنر، ایچر لرغانئنگ سه‌نینگ  
 بوجا یلاردا تا پئلما زنامونئشا نئنگ سه‌نینگ  
 غوشون لار ئنگ سئندئرلار، بولماغای سانئنگ سه‌نینگ

موضوعات اجتماعی نه تنها در آثار غنایی ملانفس بازتاب یافته بلکه در داستان منظوم معروف او "زهره - ظاهر" نیز بوضوح متبلور گشته است. در ادبیات هر خلقی، یکی از اشکال و گونه‌هایی که اندیشه‌ها، آرمانها و اهداف عالی بشر در دوستانه همان خلق در آن انعکاس بیشتری می‌یابد همان داستانهای منظوم است که از طریق آن شاعر و نویسنده می‌تواند گفتنی‌ها و ایده‌آلهای خویش را از زبان و چهره‌های خلق خود بازتاب دهد، نیکی‌ها و پلیدیهای جامعه و محیط خویش را با آفریدن چهره‌های مثبت و منفی به نقد بکشد. بنابراین ارزش داستان منظوم ملانفس نیز در اینجا است که او با نگرشی ژرف تضادهای اجتماعی - اقتصادی زمان خود و ایده‌آلهای انسانی خویش

را با شجاعت کامل ترسیم می‌نماید. ملانفس برای بهبودی زندگی مردم تلاش ورزیده و بوسیله بیان عشق پاک و باوفای دودل‌داده (زوهره و طا هئر)، بی‌عدالتی‌ها، استبداد، نیرنگ و سایر صفات ناپسند طبقات حاکمه را بگونه‌ای استادانه تصویر افشا نموده و نفرت عمیق خود را نسبت به ستم‌های آنان اراشه داده است. دونوع سیمای متضاد در داستان مذکور عبارتست از یکی تندیس‌هایی مانند طا هئر و زوهره و... قلندر که در سیمای خود بهترین آرزوهای انسانی مانند عشق، وفاداری، نیکوکاری، دوستی، صلح و آرامش را تجسم بخشیده اند و شاعر فرزانه بوسیله این چهره‌ها اصیل‌ترین و برجسته‌ترین امیال و آرمان‌های انسانی زمان خویش را مطرح می‌نماید. چهره‌های دیگری نیز وجود دارند که تمامی صفات و سلوک و کلیه ارزشهای پسندیده‌جا معرا از دست داده‌اند. مانند باخان، غارباها دئرو غیره که در وجود خود آژو طمع، ستم، کبر و غرور، غارتگری و فریب، راپرورش داده‌اند. آنها یگانه راه رسیدن به اهداف شومشان را تنها در جنگ و خونریزی، خیانت و تزویر، دشمنی، غارت و لگد مال کردن حقوق زیردستان می‌دانند. شاعر بزرگ رفتارناشایست اینگونه انسان‌ها را افشا می‌نماید و بدبختی‌ها و بیدادگری‌هایی را که در جا مع بدست انسان روی می‌دهد، مدلل می‌سازد. اشعار زیبا و پر مضمون و اندیشه‌های انسانی ژرف و مبارزه‌جویانه ملانفس در برابر ارتجاع و دشمنان خلق، در شرایط کنونی ایران نیز ظنین و ویژه‌ای دارد.

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنون آمیز جنگ با عراق جوانان کشور را دسته‌دسته به کام مرگ می‌فرستد و صدها هزار خانواده‌نگون بخت را عزا دار نموده و به خاک سیاه می‌نشانند و اختناق و بیکاری و گرانی و فقر و تنگدستی روزگار زحمتکشان را تباهنموده است، در شرایطی که خلق‌های ستم‌دیده زیر فشار سرکوب و ارباب، محروم از کلیه حقوق مسلم ملی خویش قرار دارند شعر ملانفس که سخن از صلح و آزادی و عدالت و برابری، عشق و دوستی می‌گشاید آنها بخش مبارزه‌برای دستیابی به این اهداف عادلانه و زیبای انسانی می‌گردد.



آیتم گوئیم دو غما سین

ایلیم گوئیم بولماسا

## « طنزهای از کمینه » (بزبان ترکمنی)

### سن اؤنگه دوش

أرالی ایشان بیزگون آغشام، جمعه نمازی دییپ، گیرده جیتی کؤپ — راک  
غازانماق اؤچین، اوزئندان — اوزئن سوره لری اوقایار. نمازدان سونگ،  
اؤل واغظ آیدیب اوغرایار.  
— مسلمانلار اگا، بولونگ، یوک آغشردئر، بؤل اوزاق دئر، یئدی دوزخ،  
صراط کؤیرسی — غئلدان اینجه، غئلچ دان همییتی راک — دییار.  
ینه دوام ایدیپ: — اوندان ساغ — آمان گچمک اؤچین، شؤدونیان —  
مالئنا غنما ننگ، خیر — حسنا کؤپ راک ادینگ. مون دابرن زات لارئنگئز  
آلئنگئز اگلیپ، اوتدا صراط دان ساغ آمان گچماغه کؤمک ادر، گه یئ  
(ؤنونگ حؤل له بولوپ، برن نائئنگ هم سا به بولار. بهشت هم سکیز دیر. اوندان  
هر هیلای پیری — یمیش، نازونغمت لار، حؤشر غئلزلار کؤپ دور. شولارئنگ اؤز اؤزی  
آغرئنگا گلر میشین — دییپ، سوزوسی غوتاریا رولی، کمینه: — تا غسئئر  
اونونگ یالی هزیل لیک بولسا، بوپوس لی دؤنیاه ناهه ایشینگ بار؟  
بیله موغت برددن اییپ — ایچیب باتمالی بولسا، ایکمیزه گرک یراکن!  
سیز اؤنگه دوشونگ، من هم — ائزئنگئزدان یورایین — دییار.

”کمینه 66“

### اؤن ایکی ایت بیلن بیرایت

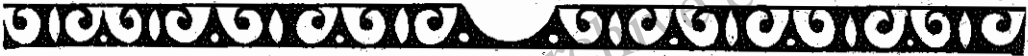
هرکیم پیرینگ اویونه بارسا، پیرینگ اوزونه بریلیان زاددان باشغا اونونگ  
غایی سئندا گزیان اؤن ایکی صوبی نئنگ هم هرها یسئنا بیرتنگنگه بریست  
گچمهلی اکن.  
بیرگون، پیرکمینه نئنگ هؤجره سینه گلبار. اما اونونگ غایی سئندا کی ایت  
اؤپرؤپ، پیری غوبیرمه یار، شول واغت کمینه ایچردن چئقئپ:  
— الهه بوس، تا غسئر، بیز سیزینگ غایی نئگزدان بار جاق بولانئمئزدا،  
هرا بیت نئگیزه بیرتنگنگه بریب گچیا ریس، سیز بولسا نئگز بیزینگ ایتیمیزه  
بیردووومنان آتایما غی هم غئسغایار سئنگئز — اولدیین.

”کمینه 66“

نأ مه سینه بگنجک !؟

بیرگون کمینه لرینگ اوبا سئنا بیرمؤل لاگوچوب گلنمیش .  
 آداملار: "بیزینگ اوبا مئزا - دامؤل لاگوچوب گلدی" دییپ بگنشنلر  
 کمینه اولارا :  
 - ای، آدلار، اوبا مئزا مول لاگوچوب گلدی دییبا بگنمانگ دییپ دیر .  
 - ها، اونا مه اوجین؟ - دین لر .  
 اوندا کمینه :  
 - اوزالام "حوشور" دییپ "ذکات" دییپ ، آیدان - دیه ئینگیز" دییپ .  
 الینی سرب یورن بیرمؤل لامئزی زوردان اکلہ یاردیک . ایندی - ها، نامه ،  
 گدای مئزایکی بؤلوب دئر - دا ، اؤنگ نامه سینه بگنجک اؤن - سونگ !؟  
 دییپ جو غا پ برن .

”کمینه“



قرکمنجه مکتب گهرک

اوقوگه رک حاطا گهرک

بقیه از صفحه ۱۰

سلاحی بڑا، بر قلب ستمگران  
 و استتما رگران فرومی برند، اکنون  
 دردل پر خون تمامی مردم زحمتکش  
 آرزوی رهایی از جنگال خون آشام  
 رژیم پلیدوجنا یتکار جمهوری اسلامی  
 زبانه میکشد، فرزندان وفادار به  
 خلق ایران و همزمان حسین  
 در ترکمن صحرا و سایر نقاط ایران  
 همچنان همراه با مردم دلیر و مبارز  
 با عزمی راسخ و ایمانی استوار پرچم  
 مبارزه را برافراشته نگاه داشته اند و  
 پیگیر ترو مصلحت ترا زهر زمان دیگر  
 به نبرد خویش علیه رژیم جنایتکار  
 خمینی و بیعدالتی و جوفشسار  
 و اختناق او و در راه سرنگونی جمهوری  
 اسلامی و رهایی خلقهای ایران  
 ادامه میدهند.

گرامی بادیا دو خاطره فرزند قهرمان  
 خلق ترکمن، مبارز راه رهایی  
 محرومان و زحمتکشان حسین جرجانی  
 جاودان باد خاطر شهدای به خون  
 خفته خلق.

بابی شرمی اظهار بی اطلاعی میکرد  
 ولی پس از گذشت ۵ سال از آن جنایت  
 وحشیانه اعلام داشت که "فاتح" گنبد  
 و ترکمن صحرا است و رهبران خلق  
 ترکمن را به دستور خمینی کشته است.  
 حسین از میان ما رفت. اما  
 هیچگاه خلق ترکمن این فرزندان  
 دلاور و راستین خویش را فراموش  
 نخواهد کرد. کلام او، سخنان او  
 همواره در قلبهای تک تک دهقانان  
 زحمتکش چون دری گرانبها، حفظ  
 خواهد شد. او به نسلهای بعدی درس  
 پایداری و مردم داری آموخت. او  
 آموخت که چطور میتوان به مردم عشق  
 ورزید و در راه آنان جان خود را نیز  
 فدا کرد.

باشهادت حسین جرجانی، خلق  
 ترکمن یکی از بهترین فرزندان  
 خود را از دست داد، ولی آرمان او،  
 سخنان دایمانه او را امروز هزاران  
 دهقان زحمتکش ترکمن صحرا همچون



سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی!

## ایل گویجی

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که با بحران عمیق اقتصادی اجتماع عسری روبروست و توده های وسیعتری از آن روبرو می‌توانند، برای حفظ حاکمیت ننگین خود هر چه بیشتر به سرکوب و اختناق مبارزات مردم روی می‌آورد. رژیم در کناره استفاده از زور و فشار با در اختیار داشتن کلیه وسایل ارتباط جمعی کشور نظیر روزنامه ها، رادیو و تلویزیون مانع پخش اخبار مربوط به مبارزات مردم می‌شود و با استفاده از آنها برای پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود دست به تحمیق و فریب توده ها می‌زنند و می‌خواهند سیاه را سفید و نمود کنند. رژیم خمینی با واقف بودن به نقش نشریات نیروهای انقلابی و مترقی در آگاه کردن توده ها، توسط دستگاه عریض و طویل امنیتی خود با تمام قوا می‌کوشد مانع پخش اینگونه نشریات که بطور غیرعلنی چاپ و پخش می‌شوند گردد و از نشر و پخش اخبار مبارزات مردم و واقعیات نکیت با رجا معصه جلوگیری بعمل می‌آورد. اکنون یکی از عرصه های مهم مبارزه با رژیم ارتجاعی حاکم، نشر اخبار مبارزات مردم و گزارشات افشاگرانه واقعیات امروز جامعه ما است از این رو تلاش خوانندگان نشریه ایل گویجی در

ارسال اخبار و گزارشات مربوط به مبارزات مردم و اوضاع و احوال جامعه و پخش گسترده ایل گویجی یک وظیفه انقلابی است.

در راه انجام این وظیفه انقلابی نشریه ایل گویجی توجه خوانندگان خود بویژه مبارزین و انقلابیون منطقه ترکمن صحرا را چه در داخل و چه در خارج از کشور به نکاتی چند جلب می‌کند.

۱- بسیاری از نیروهای انقلابی و مبارزان منطقه ترکمن صحرا در جریان زندگی روزمره خود به اخبار و اطلاعاتی پیرامون مبارزه توده ها و عملکردهای ارگانها و عناصر حکومتی چه در منطقه و چه در کل کشور دسترسی پیدا می‌کنند. لازم است این اخبار را در اختیار جنبش و مردم منطقه قرار گیرد. از این رو یک وظیفه انقلابی است که این اخبار را برای نشریه ایل گویجی ارسال دارند.

۲- از آنجا که رژیم با آگاه بودن بر آدرس ما در خارج از کشور مانع رسیدن نامه های شما از طریق پست داخل می‌گردد، لذا لازمست که این نامه ها را توسط اقوام و دوستان مطمئن خود که بخارج می‌آیند، به خارج بفرستید تا از آنجا برای ما پست کنند.

۳- در رابطه با چگونگی گزارشات لازم است درجه موثق بودن و منابع گزارشات و خبرها ذکر شود و چنانچه امکان داشته باشد پیش از تحقیق، صحت آن را برای ما ارسال دارید.

۴- مکان و تاریخ حتی الامکان دقیق وقوع حوادث و خبرها، حتمن در گزارشات ذکر شود.

روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا!  
خوانندگان گرامی ایل گویچی!

برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویچی با ما مکاتبه کنید.  
پیشنهادها، نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید.  
مقاله، شعر، خبر، عکس، داستان، طرح، ترجمه، منوگرافی  
از روستاها، گزارش از وضع زندگی اقشار گوناگون مردم و  
مشکلات آنها و هر مطلب دیگر در رابطه با زندگی و مبارزه خلق  
ترکمن را برای ما بفرستید.

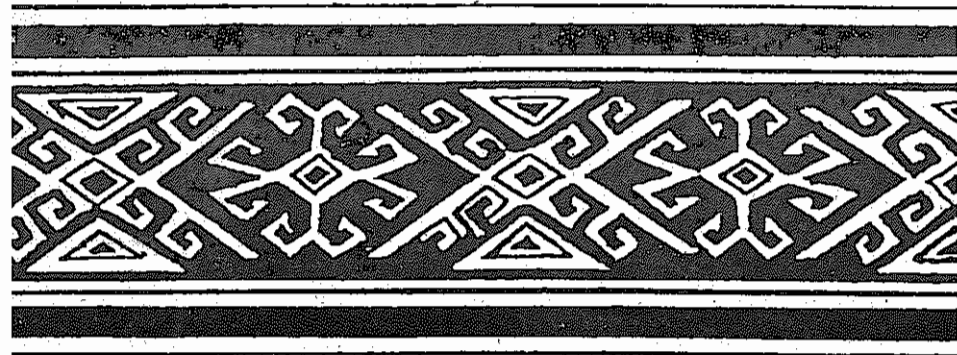
از هرگونه همکاری با ایل گویچی دریغ نکنید.

ایل گویچی را وسیعاً پخش کنید و به علاقمندان برسانید!

H. D.  
Postfach 106763  
2800 Bremen  
W. Germany

آدرس پستی:

www.an-archive.com



[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن